

Ethnic cohesion in Sistan and Baluchistan province and its relationship with political participation in the ۲۰۲۱ Iranian presidential elections¹

Mahdi Bigdeloo

Assistant Professor, Political Sociology, Farabi College, Tehran, Iran. mahdi.bigdeloo@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to study ethnic cohesion in Sistan and Baluchistan province and its relationship with political participation in the ۱۱۱۱ Iranian presidential elections. The research method was descriptive-analytical, and the results showed that although there is a good relationship between the province's youth cohesion and political participation in the ۱۱۱۱ presidential elections, this relationship is moderate and other interventional variables have an effective relationship with this partnership. Due to the positive relationship between the two variables and the increase in ethnic cohesion in the province, the level of political participation can be increased to some extent. In other words, strengthening the sense of belonging to the ethnicity, facilitating and strengthening interpersonal communication in society, increasing family solidarity, and strengthening their supervision over children can partially increase the level of political participation (A willingness to political participation, support for political activities and carry out political activities) in the presidential election in Iran.

Keywords: Sistan and Baluchistan, Presidential Elections, Political Participation, Ethnic Cohesion.

¹ Received: ۲۰۱۹/۰۶/۱۰ - Revision: ۲۰۱۹/۰۸/۱۶ - Accepted: ۲۰۱۹/۱۰/۲۲

**© the authors

انسجام قومی در استان سیستان و بلوچستان و رابطه آن با مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری اسلامی ایران^۱

مهدی بیگدلو

استادیار، جامعه شناسی سیاسی، دانشکده فارابی، تهران، ایران.

mahdi.bigdeloo@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی انسجام قومی در استان سیستان و بلوچستان و رابطه آن با مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد هرچند رابطه مناسبی بین انسجام قومی جوانان این استان با مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری برقرار است، ولی این رابطه در حد متوسطی بوده و دیگر متغیرهای مداخله‌گر نیز با این مشارکت رابطه مؤثری دارند. به دلیل رابطه مثبت دو متغیر با افزایش انسجام قومی در استان می‌توان تا حدودی سطح مشارکت سیاسی را افزایش داد، به عبارتی تقویت احساس تعلق به قوم، تسهیل و تقویت ارتباطات بین فردی در جامعه، افزایش همبستگی خانوادگی و تقویت نظارت آن بر فرزندان تا حدودی می‌تواند سطوح مختلف مشارکت سیاسی (تمایل به مشارکت سیاسی، حمایت از فعالیت‌های سیاسی و انجام فعالیت‌های سیاسی) در انتخابات ریاست جمهوری در ایران را افزایش دهد.

کلیدواژه‌ها: سیستان و بلوچستان، انتخابات ریاست جمهوری، مشارکت سیاسی، انسجام قومی.

مقدمه

در تمام الگوهای سیاسی و حکومتی به موضوع مشارکت مردمی توجه شده است و مؤثرترین شکل این مشارکت تلاش آگاهانه‌ای است که مردم برای شیوه حکومت دولتمردان یا انتخاب رهبران سیاسی صورت می‌دهند. آنچه را به‌عنوان نمایان‌ترین و مؤثرترین شکل مشارکت سیاسی مردم در ج.ا.ایران می‌توان بدان اشاره نمود، انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران است که راهبردهای اجرایی کشور را در یک دوره چهارساله تدوین می‌کند. از میان عوامل مؤثر بر این مشارکت به مؤلفه‌های مختلفی از جمله شبکه‌های اجتماعی (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲)، خانواده (گلابی و حاجیلو، ۱۳۹۱)، اعتماد سیاسی (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۰)، فرهنگ سیاسی (امینی و خسروی، ۱۳۸۹) و مشروعیت (لک زایی و مقیمی، ۱۳۹۰) و ... اشاره شده است.

اما در هر جا که ارتباط و پیوند انسجام اجتماعی با دیگر کنش‌ها و فرایندهای اجتماعی همچون مشارکت در اشکال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن مطرح می‌شود، همه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی در خصوص ابراز توجه به وجود این پیوند، با وجود اختلاف نظر در چگونگی ارتباط و تأثیرگذاری در سطوح گروهی، میان‌گروهی و جمعی، به‌نوعی اتفاق نظر و اجماع می‌رسند و بر اهمیت پیوند بین انسجام و مشارکت تأکید می‌کنند (گلشیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳-۱۵۲) و زمانی که این انسجام اجتماعی در بین افراد یک قوم در یک کشور چند قومی باشد، پرداختن به نقش این انسجام در مشارکت سیاسی به‌واسطه افزایش همگرایی ملی ضرورت بیشتری می‌یابد.

در فرآیند مشارکت سیاسی، افراد به مناسک تعاملی خود معنا می‌دهند و به فهم مشترکی دست می‌یابند به همین دلیل است که هایدگر جهان انسانی را جهانی مشترک میان او و دیگران می‌داند (طیبنیا و نقدی، ۱۳۹۱، ص ۶۰).

میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۶۴) و هرچه این توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی متنوع‌تر باشد، سطح مشارکت سیاسی نیز متفاوت خواهد بود؛ اما اینکه آیا با افزایش انسجام اجتماعی در بین اقوام مختلف با گرایشات فرهنگی خاص می‌توان افزایش مشارکت سیاسی آنان را در کشور ج.ا.ایران شاهد بود، مسئله‌ای است که تحقیق حاضر در پی پاسخ به آن خواهد بود.

تحقیق پیش رو در نظر دارد به‌جای پرداختن به انسجام ملی که بدون شک ارتباطی دوسویه با مشارکت سیاسی دارد به مفهوم انسجام در سطح اجتماعی و آن هم در اجتماعی قومی بپردازد؛ استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از استان‌های محروم کشور از اقوام مختلفی تشکیل شده که این اقوام از گذشته تاکنون در حوادث مختلف همچون دفاع مقدس پشتیبان نظام اسلامی بوده و همگرایی مناسبی با دولت اسلامی دارد، اما مانند دیگر اقوام کشور همچون لر، ترک، کرد و ... علاوه بر باورهای ملی دارای باورهای عمیق قومی نیز هستند که شناخت ارتباط انسجام اجتماعی قومی مردم استان سیستان و بلوچستان با مشارکت سیاسی آنان در انتخابات ریاست جمهوری ایران هدف تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

انسجام اجتماعی

استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه در گرو انسجام و همبستگی بین اجزاء و عناصر سازنده ساختار اجتماعی است. انسجام، توافق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌ها است و در فرآیندی اجتماعی متولد می‌شود و محصول کنش عقلانی و مختارانه است (غلامی و حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳).

هر بررسی علمی و تجربی از انسجام، بدون رجوع به اصول نظریه عمومی جامعه‌شناسی در مکاتب و حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی خام و نارسا خواهد بود. از طرفی تبیین انسجام به‌عنوان یک مجموعه به‌هم پیوسته نیازمند بررسی کلیه عوامل و متغیرهای اجتماعی، روانی، فرهنگی، زیستی و اقتصادی در ارتباط متقابل با یکدیگر است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۴۵). با توجه به معنای مفهومی اصطلاحات مطرح شده در باب انسجام^۱، منظور از انسجام احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند است و همچنین می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طورکلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنها باشد (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵). همبستگی یک معنای اخلاقی دارد که متضمن وجود اندیشه، وظیفه یا الزام متقابل است و همچنین یک معنای مثبت از آن برمی‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزاء یا موجودات در یک کل ساخت‌یافته را می‌رساند. به‌زعم آگوست کنت توزیع دائمی در کارهای گوناگون انسان‌هاست که همبستگی اجتماعی را پدید می‌آورد و همبستگی با به‌هم پیوستگی درونی جامعه یا گروه در ارتباط است. همبستگی گروهی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خویش‌تن تطابق و هم‌نویایی یابد. این همبستگی اجتماعی متضمن طرد آگاهی و نفی اخلاقی مبتنی بر تقابل و مسئولیت نیست، برعکس دعوت به احراز این ارزش‌ها و احساس الزام متقابل است. دورکیم همبستگی مکانیکی و همبستگی عضوی را با معنایی خاص به‌کار برده است. از نظر او همبستگی مکانیکی به معنای وابستگی متقابل عناصر مشابه، اجزای همگن در یک کل اجتماعی فاقد تمایزات داخلی است؛ اما همبستگی عضوی از تقسیم‌کار اجتماعی و به همراه آن کارکردها و تلاش‌هایی که همچون فرایند کار اعضای متمایز در اندام یک موجود زنده یکدیگر را تکمیل می‌کنند، منبعث می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۱)؛ بنابراین یک جامعه، گروه یا موقعیت اجتماعی تا درجه‌ای همبسته خوانده می‌شود که اعضایش دارای یک وجدان جمعی با اعتقادات و عواطف مشترک با یکدیگر رابطه متقابل داشته باشند و احساس کنند که وقف اهداف مشترکی هستند. انسجام اجتماعی یعنی همگونی طرز تلقی‌ها و داورهای درباره جهت‌گیری‌ها یا اهداف یکسان؛ یعنی اینکه در میان افراد درگیر در گروه، خصوصاً در فرایند ارتباطات و در زمینه انتقال اطلاعات و استفاده از نمادها و غیره توافق مشترک وجود داشته باشد (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶). انسجام اجتماعی شامل دو بعد همبستگی اجتماعی و انسجام نظام‌مند^۲ می‌باشد. همبستگی اجتماعی اشاره به بُعد نرم‌افزاری انسجام دارد و انسجام نظام‌مند با تلقی سخت‌افزاری ارتباط و وابستگی اجزای نظام اجتماعی در سطوح و ابعاد مختلف شامل ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را که می‌تواند در سطوح خرد و کلان مطرح باشد، در برمی‌گیرد (کلانتری و فرهادی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵-۱۲۶) و به معنای استحکام

۱. Solidarity
۲. systemic integration

درونی و مترادف با وحدت اجتماعی است. به تعبیر فرهنگ لاروس انسجام اجتماعی، موقعیت گروهی است که یک مجموعه کاملاً پیوسته را در برمی‌گیرد. فرهنگ جامعه‌شناسی آلموند کولین انسجام اجتماعی را توافق افکار، احساسات و اعمالی توصیف می‌کند که وحدت یک گروه یا یک جامعه را مشخص می‌سازد (نوابخش و فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

انسجام اجتماعی به معنای آن است که گروه، وحدت خود را حفظ کرده و با عناصر وحدت‌بخش خود، تطابق و هم‌نوایی داشته باشد. همبستگی و انسجام، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و دارای یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه‌ی یک وظیفه یا الزام متقابل می‌باشد و نیز یک معنای مثبت از آن برمی‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا یا موجودات در یک کل ساخت‌یافته را می‌رساند (نیازی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می‌کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی^۱ می‌نامد. از نظر دورکیم عاطفه جمعی عمیق‌تر از طری مناسک جمعی (مثل اعیاد و مراسم ملی و مذهبی و...) به وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۷۲، ص ۲۲). به نظر گیدنز، انسجام اجتماعی را نمی‌توان با اقدام از بالا به پایین دولت یا با توسل به سنت تضمین کرد. ما ناچاریم زندگی خود را به شیوه‌ای فعال‌تر از آنچه در نسل‌های پیشین درست بود، بسازیم و باید برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عادت‌های شیوه زندگی که برگزیده‌ایم فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۳).

مفاهیم پژوهش

مشارکت^۲

مشارکت یعنی حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی جامعه (محرابی، ۱۳۸۷، ص ۵۷) و به مفهوم همکاری، شرکت در کاری یا امری یا فعالیتی و حضور در جمعی یا گروهی یا سازمانی برای بحث و تصمیم‌گیری (چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال) که در آن نقش و مسئولیت فرد چندان تعریف نشده است. به طور اخص مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که اعضای یک جامعه از طریق آنها در امور جامعه (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) شرکت کرده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات مدنی مشارکت می‌کنند.

عده‌ای از متفکران نیز مفهوم مشارکت را با توجه به ابعاد و ریشه‌های شکل‌گیری آن تعریف و معنا بخشیده و در این راستا مفهوم مشارکت را در عرض دموکراسی قرار داده‌اند. از این منظر تا آنجا که به سیاست مربوط می‌شود، مسئله مشارکت به قدمت طرح مفهوم دموکراسی است و برخی نیز دموکراسی را خویشاوند نزدیک مشارکت سیاسی دانسته‌اند (فرهادی، ۱۳۷۲، ص ۱۰). مشارکت در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا مشارکت مردمی می‌تواند

۱. Collective emotion

۲. Participation

به‌مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بالاتری برخوردار می‌گردد (شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۴).

مشارکت مردمی

مشارکت مردمی^۱ شرط بنیادی تدوین و عملی ساختن توسعه درون‌زا در هر جامعه‌ای از جمله جامعه ایرانی می‌باشد؛ توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواست‌های واقعی مردم و با مضمون خاص هر جامعه سازگار شده است (کائوتوری و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳). حتی می‌توان توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) را مقید و مشروط به این مشارکت دانست؛ زیرا در توسعه هدف ظهور قابلیت‌های افراد در دو سطح حیات فردی و اجتماعی است و این ظهور و بروز تنها در مشارکت محقق می‌شود و البته پیش‌شرط هرگونه مشارکتی ایجاد و فراهم‌سازی شرایط مناسب برای ظهور توانایی‌های نظری و عملی افشار جامعه است؛ زیرا مردم در اجرای تصمیماتی که خود در تعیین آنها نقش داشته و آن را کنترل و ارزیابی نموده‌اند مشارکت فعال و هدفمندی خواهند داشت.

اندیشمندان سیاست‌میزان و عمق بالای مشارکت مردمی را نشانه توسعه‌یافتگی سیاسی و فرهنگی می‌دانند. از این‌رو مشارکت خواه برای افراد (شهروندان) و خواه برای نظام سیاسی امری مطلوب به‌شمار می‌رود. این امر خود یک هدف ذاتاً مطلوب و نیز وسیله‌ای برای رسیدن به سایر اهداف می‌باشد. مشارکت باعث پاسداری از آزادی، ترویج عدالت و تشویق ثبات است (روحانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲).

این واقعیت که استقرار حکومت‌ها و استمرار آنها منوط به حمایت مردمی است از جمله اصول علمی به‌شمار می‌آید که مستندات آن را می‌توان در تاریخ اندیشه و تاریخ تحول جوامع سیاسی از ابتدایی‌ترین صورت‌های آن تا جوامع مدرن و پیشرفته امروزی مشاهده کرد تا جایی که اجماع مردمی و توافق مردم بر همراهی نظام سیاسی عنصر اصلی در شکل‌گیری ماهیت دولت است و بدون آن اساساً دولت پدیدار نمی‌شود.

در انقلاب اسلامی مردم عاملان اصلی انقلاب بودند و وارثان اصلی پیروزی‌های حاصل از آن نیز هستند. ضمن اینکه تثبیت این پیروزی‌ها و تداوم بقاء در گرو نقش و حضور مستقیم مردم در فرآیندهای جاری است. در گفتمان انقلاب، حضور گسترده مردم در صحنه‌ها و نقش‌پذیری آنها در فرآیند انقلاب پیامدهای امنیتی فراوانی را برای تثبیت بقاء و تداوم نظام به‌همراه می‌آورد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱)؛ چراکه اتخاذ راهکارهایی که به تقویت و گسترش روزافزون احساس همدلی و یکرنگی کمک رساند به‌طور قطع به همان میزان ضریب امنیتی جامعه را نیز افزایش می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

مشارکت مردمی به شکل مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌پذیرد؛ در مشارکت مستقیم مردم مستقیماً و بدون واسطه در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و... برای تعیین زندگی اجتماعی خود و تصمیم‌سازی در برنامه‌ها شرکت می‌کنند و در

۱. Humanity Participation

مشارکت غیرمستقیم، مردم به طور مستقیم در فرایند مشارکت مداخله نمی کنند، بلکه از طریق واسطه‌هایی که نمایندگان آن به‌شمار می‌روند در جریان تصمیم‌سازی دخالت می‌نمایند (طالب، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳-۱۱۷).

مشارکت سیاسی

در جهان امروزی کشورهای خواهی خواهند توانست به ترقی و پیشرفت نائل آیند که مشارکت افراد جامعه در امور مهم و در عرصه‌های متفاوت اجتماعی، به واسطه اعتماد متقابل بین افراد و گروه‌ها و... در حد بسیار بالایی باشد (صدیقی، ملک‌میان و اجاقی ازبری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳). مشارکت سیاسی در مورد سوژه‌های انسانی به‌کار می‌رود که قصد دارند عرصه قدرت را با تحولاتی روبه‌رو سازند که از وضعیت‌های نامطلوب به سمت مطلوب تغییر یابد (رهبر، اسلامی و ذوالفقاریان، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

رشد اندیشه مشارکت سیاسی که توده‌های مردم را در تعیین سرنوشت خود درگیر می‌سازد، در عمل موجب تحقق زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی می‌شود، اما طبیعی است در جامعه‌ای که افراد بلوغ سیاسی و بینش صحیح نسبت به مسائل نداشته باشند، نمی‌توانند در همه امور مشارکت لازم را داشته باشند (گلابی و حاجیلو، ۱۳۹۱، ص ۳۲). فرهنگ سیاسی زادگاه مشارکت سیاسی است و هر نوع اصلاح امور سیاسی را باید از اصلاح فرهنگ سیاسی آغاز نمود. فرهنگ سیاسی تولیدکننده مشارکت سیاسی است؛ هرچه فرهنگ سیاسی از فرهنگ انقیاد و تابعیت به‌طرف فرهنگ مشارکتی تغییر یابد، میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و انواع آن متفاوت می‌شود (امینی و خسروی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱). «مشارکت سیاسی» در اصطلاح علوم سیاسی معانی گوناگونی دارد. بر همین اساس، در کتاب‌های گوناگون با تعاریف متفاوتی آمده است:

- مشارکت سیاسی یعنی مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت است (آقابخشی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۰).
- مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۹).
- مشارکت سیاسی به‌معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به‌دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی است (علیخانی، ۱۳۷۷، ص ۶۱).
- مشارکت سیاسی به معنی شرکت در اعمال قدرت است؛ اعمال قدرتی که قرن‌ها در دست افراد، گروه‌ها یا طبقات اجتماعی معینی بوده است و مردم در فرایندهای سیاسی جامعه خود نقشی نداشتند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲).
- مشارکت سیاسی هرگونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرارداد سیاست‌گذاری‌های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی یا اعمال نظر رهبران بر مردم یا به‌طور خلاصه حوزه تصمیم‌گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۳).

• مایرون واینر مشارکت سیاسی را هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی می‌داند (امینی و خسروی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸).

آنچه از اجمال همه تعاریف به دست می‌آید این است که دخالت مردم یا دست‌کم درگیر شدن آنها در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه یا حتی اختیاری و غیراختیاری را مشارکت نام نهاده‌اند. برخی از تعریف‌ها نیز فقط به آگاهانه بودن و برخی به اختیاری بودن اهمیت داده و مشارکت سیاسی را در آن قالب تفسیر کرده‌اند. به‌طور کلی مشارکت سیاسی فعلی است که فقط با اراده نفسانی محقق نمی‌شود، بلکه اراده معطوف به تأثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تأثیر را شامل می‌شود.

مشارکت سیاسی جزئی از رفتار اجتماعی محسوب می‌شود؛ چراکه اول، به‌منزله یکی از ارکان و شاخص‌های عمده توسعه سیاسی به‌شمار می‌رود. دوم، رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد به‌طوری‌که میزان و نحوه مشارکت سیاسی سنجش (معیار) مناسبی برای شناخت میزان مشروعیت حکومت‌ها به‌شمار می‌رود (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴) و سوم، به میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی هر جامعه است. بنابراین، مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌کند.

مشارکت پیامدهای دوسویه دارد؛ زیرا در یک معنا فقدان مشارکت و انفعال به این مفهوم است که دولت از منابع بالقوه‌ای که باید در خدمت آن قرار گیرد، بی‌نصیب می‌گردد و از سوی دیگر، مشارکت زمانی مؤثر واقع می‌شود که تغییراتی بنیادی در اندیشه و عمل به‌وجود آیند. از این‌رو، ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارند و آن بها دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنها به منافع قدرت است و مردم‌سالاری به‌مثابه نظام حفظ حقوق مدنی و سیاسی و نظام پاسخ‌گویی نخبگان در برابر مردم، «نظام برابری سیاسی»، «نظام کنترل عمومی» بدون مشارکت سیاسی مؤثر ناممکن است (فاضلی و خوشفر، ۱۳۹۰، ص ۱).

در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی از توجه شایانی برخوردار گردید. شعارهای انقلابی و تأکید آنها بر ارزش‌ها و آرمان‌هایی همچون استقلال، آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشت توسط مردم همگی حکایت از دعوت مردم به مشارکت بالای سیاسی دارند. شعارهای انقلاب که بر زبان مردم جاری بوده نیز نشان از تأکید بر مشارکت سیاسی دارد و همچنان مشاهده می‌شود که مقوله آزادی و مشارکت سیاسی و امنیت به‌عنوان مهم‌ترین محور شعارهای انتخاباتی در جامعه ما اهمیت دارد (پناهی، ۱۳۷۹، ص ۶۳). البته مشارکت سیاسی پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً فعالیت سیاسی دارند و نه اینکه از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه است، بلکه به این معناست که در همه جوامع وجود دارد و شرایط پذیرش تغییرات را فراهم می‌سازد (راش، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

انتخابات

رای‌دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رأی‌دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند (نظری، بشیری گیوی و جنتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸). در حقیقت مشارکت سیاسی فرایندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود به گونه‌ای که تمام شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، انتقاد، اظهار نظر، انتخاب کردن و رأی دادن بهره‌مند باشند. مشارکت سیاسی نوعی تظاهر علنی اراده مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است و میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد و از متداول‌ترین مشارکت‌های سیاسی در عصر حاضر، مشارکت انتخاباتی است.

انتخابات به‌عنوان بارزترین شیوه و تجلی مشارکت آحاد مردم در سرنوشت واحدهای سیاسی، همواره مورد اهتمام نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی و نیز به‌طریق اولی سیاست‌ورزان بوده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۶۳). حضور مردم در عرصه سیاسی به‌صورت رأی دادن و اجرا کردن قراردادهای جمعی به گونه‌ای که منازعات قدرت را در قالب عقل مصلحتی و محافظه‌کار حل کند، مشارکت سیاسی را شکل می‌دهد (رهبر، اسلامی و ذوالفقاریان، ۱۳۹۰، ص ۸۲). انتخابات فرایندی است که در آن عده‌ای خود را در معرض انتخاب دیگران (مردم) قرار می‌دهند (گل‌پرور و خواجه حسنی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴).

مبانی نظری

برادول و کانوی^۱

به هر عمل که با انگیزه سیاسی انجام شود مانند رأی دادن، کمک نقدی و پرداخت پول و امکانات، ارتباط یا عضویت در یک حزب سیاسی، تلاش برای یک مقام دولتی، تحریم یک کالا، شرکت در راهپیمایی، اعتراض خشونت‌آمیز و امثال اینها مشارکت سیاسی گفته می‌شود (Broadwell, ۶۶۶۶, p. ۱).

برگستروم و مهرترو^۲

گاهی مشارکت سیاسی به‌منزله کنش شخصی یا خصوصی شهروندانی که به‌دنبال اثرگذاری یا حمایت از دولت یا سیاست‌های آن هستند تعریف می‌شود. از مفهوم مشارکت سیاسی گاهی به‌منزله وسیله و گاهی به‌منزله هدف فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌شود. مهرترو مشارکت سیاسی را به حکومت و سیاست‌های آن محدود نمی‌کند و معتقد است مشارکت سیاسی حمایت‌های قانونی و غیر قانونی، شکل‌گیری مطالبات، بحث سیاسی و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه‌ای که به

۱. Broadwell & Conway

۲. Bergstrom & Mehrotra

حکومت مربوط است نیز می‌شود. مشارکت یا کنش سیاسی فعالیت‌های سیاسی که در نهادهای خصوصی انجام می‌شود را نیز در بر می‌گیرد (Bergstrom, ۶۶۶۶, p. ۴; Mehrotra, ۵۵۵۵, p. ۵۵).

لیو^۱

از نظر لیو سه تئوری مشارکت سیاسی که به عامل نارضایتی در شرایط وجود دموکراسی در جامعه توجه دارند عبارت‌اند از: (۱) پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد عامل اصلی تعیین تفاوت میان مشارکت سیاسی افراد است؛ (۲) مکتب فرهنگ سیاسی بر اهمیت ارزش‌ها و گرایش‌ها تأکید می‌کند و عامل تأثیرگذاری سیاسی^۲ و اعتماد سیاسی^۳ را بیش از سایر عوامل بر مشارکت سیاسی مؤثر می‌داند و (۳) مکتب نهادی^۴ وابستگی سازمانی را مد نظر قرار داده است. وابستگی به انجمن‌های داوطلبانه و وابستگی حزبی افزایش مشارکت سیاسی را همراه خواهد داشت. از آنچه لیو اظهار کرده می‌توان نتیجه گرفت که اگر افراد نظام سیاسی را به‌منزله یک نظام دموکراتیک بپذیرند و به آن اعتماد داشته، مشارکت خود را تأثیرگذار بدانند، رضایت آنان افزایش یافته و باعث مشارکت آنان در امور سیاسی (برای تغییر شرایط) می‌شود (Liu, ۱۱۱۱, p. ۱-۲).

مکلاوسکی

از نظر مکلاوسکی سطوح مشارکت سیاسی را یازده مورد زیر تشکیل می‌دهد: (۱) رأی دادن؛ (۲) کسب اطلاعات سیاسی؛ (۳) بحث در مورد موضوعات و مسایل سیاسی؛ (۴) شرکت در جلسات و محافل سیاسی؛ (۵) کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی؛ (۶) گفتگو و مذاکره با نمایندگان؛ (۷) عضویت در احزاب سیاسی؛ (۸) شرکت در ثبت نام افراد و تبلیغ برای احزاب سیاسی؛ (۹) نگاشتن مقالات و ارائه سخنرانی‌های سیاسی؛ (۱۰) شرکت در رقابت‌ها و مبارزه‌های سیاسی و (۱۱) رقابت به منظور انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی حزبی (خداوردی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

چارچوب نظری

نظریه انسجام اجتماعی میلر با شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و عاطفی که توسط دکتر نوابخش در مقاله «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان» با ۱۲ گویه استفاده شده و همچنین نظریه مشارکت سیاسی مکلاوسکی شامل ۱۱ سطح برای مشارکت سیاسی مردم به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده است.

روش تحقیق

تحقیق کمی پیش رو که از نظر روش موردی-زمینه‌ای می‌باشد، به‌منظور گردآوری ادبیات تحقیق از منابع کتابخانه‌ای مرتبط بهره گرفته است تا با تأکید بر انسجام قومی که در واقع تجلی انسجام اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد به رابطه این متغیر با مشارکت سیاسی جوانان این استان در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری ایران پردازد. با استخراج مؤلفه‌های انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی آزمون‌خی ۲ همسانی درونی مؤلفه‌های این متغیرها را تأیید و ارتباط دو متغیر با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون اسپیرمن محاسبه شده است.

۱. Liu
۲. Political efficacy
۳. Political Trust
۴. Institutional

ابزار گردآوری و اعتبار و روایی

ابزار گردآوری را پرسشنامه ۲۳ سؤالی را تشکیل می‌دهد که بر مبنای نظریه مشارکت سیاسی مکلاوسکی و نظریه انسجام اجتماعی میلر طراحی شده و اعتبار آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای مشارکت سیاسی برابر با ۰/۷۱ و انسجام اجتماعی برابر با ۰/۷۳ محاسبه شده و برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی صوری یا استفاده از نظرات صاحب‌نظران بهره گرفته شده است.

| نام متغیر | گویه تشکیل دهنده | روایی گویه‌های متغیر |
|--|--|----------------------|
| انسجام اجتماعی | کمک به همدیگر در انجام کارها | $\alpha = 0.73$ |
| | فکر کردن به کسب و کار همدیگر | |
| | سهولت در دوست‌یابی | |
| | برخورد با افرادی که هم‌رنگ جماعت نیستند | |
| | احساس تعلق به قوم | |
| | تعریف کردن مردم از همدیگر | |
| | آموزش احترام به همدیگر توسط خانواده | |
| | نظارت خانواده بر فرزندان | |
| | توجه خانواده به فرزندان برای به در دسر نیفتادن آنها | |
| | سهولت در پیدا کردن شخص قابل اعتماد | |
| | ارتباط دوستانه بدون طلب نفع | |
| اهمیت به اینکه چه بر سر دوستانشان می‌آید | | |
| مشارکت سیاسی | تمایل به رأی دادن | $\alpha = 0.71$ |
| | علاقه‌مندی به کسب اطلاعات سیاسی درباره نامزدهای ریاست جمهوری | |
| | بحث در خصوص موضوعات و مسائل سیاسی انتخابات | |
| | شرکت در جلسات سیاسی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری | |
| | کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی انتخابات | |
| | بحث و گفتگو با نمایندگان و مسئولان ستاد نامزدها | |
| | تمایل به عضویت در احزاب سیاسی | |
| | تبلیغ برای احزاب فعال در انتخابات | |
| | انجام سخنرانی‌های سیاسی | |
| | شرکت در رقابت‌های سیاسی | |
| | رقابت برای تصدی پست در ستادهای انتخاباتی | |

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر را جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله ۱۴ شهر استان سیستان و بلوچستان که طبق اطلاعات موسسه آمار ایران ۱۲۸۴۵ نفر هستند، تشکیل می‌دهند. از بین این جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی طبقه‌ای ۹۲۳ نفر به عنوان حجم نمونه به شرح زیر محاسبه و پرسشنامه بین آنان توزیع گردیده است.

$$n = \frac{NT^2S^2}{ND^2 + T^2S^2}$$
 فرمول کوکران

$$N = 12845$$
 جامعه آماری

$$d = 0.05$$
 سطح خطا

$$t = 1/96$$
 سطح معناداری

$$S = 0.804$$
 واریانس

$$n = \frac{12845(1.96)^2(0.804)^2}{12845(0.05)^2 + (1.96)^2(0.804)^2} = \frac{31932.87}{34.5985} = 922.95 \cong 923$$

تجزیه و تحلیل داده‌ها**۱. سوالات زمینه‌ای****۱.۱. سطح سواد**

جدول فراوانی سطح سواد پاسخ‌دهندگان (جدول ۱) نشان می‌دهد از بین افرادی که به این سؤال پاسخ داده‌اند، ۹/۲ درصد پاسخ‌دهندگان دارای سطح سواد ابتدایی، ۱۸/۷ درصد راهنمایی، ۳۱ درصد دبیرستان، ۳۱/۴ درصد دیپلم و ۴/۸ درصد لیسانس هستند و تنها ۳/۸ درصد پاسخ‌دهندگان از سواد خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند.

جدول ۱- سطح سواد پاسخ‌دهندگان

| سطح سواد | فراوانی | درصد | درصد مجموع |
|----------|---------|------|------------|
| ابتدایی | ۸۵ | ۹/۳ | ۹/۳ |
| راهنمایی | ۱۷۳ | ۱۸/۷ | ۲۸/۳ |
| دبیرستان | ۲۸۶ | ۳۱/۳ | ۵۹/۶ |
| دیپلم | ۲۹۰ | ۳۱/۸ | ۹۱/۳ |
| بی‌سواد | ۳۵ | ۳/۸ | ۹۵/۲ |
| لیسانس | ۴۴ | ۴/۸ | ۱۰۰ |
| جمع | ۹۱۳ | ۱۰۰ | |

۱.۲. شغل پدر

جدول فراوانی شغل پدر پاسخ‌دهندگان (جدول ۲) نشان می‌دهد از بین پاسخ‌دهندگان حاضر پدر ۳۳/۵ درصد دارای شغل آزاد، ۱۶/۵ درصد شغل دولتی، ۱۳/۱ درصد بیکار و ۳۲/۵ درصد کشاورز هستند، به عبارتی پراکندگی پاسخ‌دهندگان تقریباً شامل همه طبقات اجتماعی می‌شود.

جدول ۲- شغل پدر پاسخ‌دهندگان

| درصد مجموع | درصد | فراوانی | شغل پدر |
|------------|------|---------|---------|
| ۳۵ | ۳۵ | ۳۰۹ | آزاد |
| ۵۲/۱ | ۱۷/۲ | ۱۵۲ | دولتی |
| ۶۵/۸ | ۱۳/۷ | ۱۲۱ | بیکار |
| ۹۹/۸ | ۳۳/۹ | ۳۰۰ | کشاورز |
| ۱۰۰ | ۰/۲ | ۲ | بی‌پاسخ |
| | ۱۰۰ | ۸۸۴ | جمع |

۱.۳. قومیت

جدول ۳ نشان می‌دهد از بین افرادی که به این سؤال پاسخ داده‌اند، ۵۱ درصد پاسخ‌دهندگان از قوم بلوچ، ۱۹ درصد از قوم سیستانی و ۲۱/۱ درصد نیز از سایر اقوام هستند و ۸/۹ درصد نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

جدول ۳- قومیت پاسخ‌دهندگان

| درصد مجموع | درصد | فراوانی | قومیت |
|------------|------|---------|---------|
| ۵۶ | ۵۶ | ۴۷۱ | بلوچ |
| ۷۶/۸ | ۲۰/۸ | ۱۷۵ | سیستانی |
| ۱۰۰ | ۳۲/۲ | ۱۹۵ | سایر |
| | ۱۰۰ | ۸۴۱ | جمع |

۲. سؤال تحقیق

با توجه به تعریف فرضیه H0 (فقدان همبستگی بین دو متغیر مستقل و وابسته) و فرضیه H1 (وجود همبستگی بین دو متغیر مستقل و وابسته) و با بررسی داده‌های حاصل از پرسشنامه، بین انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی همبستگی معنی‌داری به شرح زیر وجود دارد.

| مشارکت سیاسی | انسجام قومی | | | |
|--------------|-------------|-------------------------|--------------|----------------|
| .۳۱۵ (**) | ۱.۰۰۰ | Correlation Coefficient | انسجام قومی | Spearman's rho |
| .۰۰۰ | . | Sig. (۲-tailed) | | |
| ۷۰۳ | ۷۷۸ | N | | |
| ۱.۰۰۰ | .۳۱۵ (**) | Correlation Coefficient | مشارکت سیاسی | |
| . | .۰۰۰ | Sig. (۲-tailed) | | |
| ۷۹۱ | ۷۰۳ | N | | |

** Correlation is significant at the ۰۰۱ level (۲-tailed).

الف) سطح معناداری نشان می‌دهد که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان ادعا نمود، رابطه بین انسجام قومی و مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان معنادار است، به بیان دیگر فرضی H0 رد و فرض H1 تأیید می‌شود.

ب) شدت همبستگی (۰/۳۱۵) نشان می‌دهد که رابطه متوسطی بین انسجام قومی در این استان و مشارکت سیاسی آنها در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری ایران وجود دارد؛ به عبارتی علاوه بر متغیر انسجام قومی در بین جوانان این استان، متغیرهای دیگری نیز با مشارکت سیاسی در این استان رابطه دارند.

ج) از آنجایی که جهت رابطه مثبت است با ارتقاء انسجام قومی، مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری ایران تا حدودی افزایش خواهد یافت.

نتیجه گیری

وجود موانع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه کند بودن روند ملت‌سازی پس از دوران مدرنیته در کشورهای کمتر توسعه یافته، به‌ویژه منطقه خاورمیانه، بهره‌گیری از مردمی یکدست در قالب شهروندان ملی را بسیار دشوار نموده است که اقدامات دولت‌های ملی پس از استقلال نیز به‌واسطه اقدامات شیطنت‌آمیز کشورهای استعمارگر حتی پس از ترک سرزمین‌های اشغال شده بر دشواری این روند افزود؛ یکی از این اقدامات ترسیم خطوط مرزی از میان محل‌های اسکان اقوام و در نتیجه ایجاد کشورهای چند قومی بود که تحرکات این اقوام همواره دولت مرکزی را با مشکلاتی مواجه نموده است که تمایلات جدایی‌طلبانه، تردهای غیرمجاز، اقدامات ناامن‌ساز و... برخی از این مشکلات است، اما از آنجایی که تعریف اقوام مرزنشین در ج.ا.ایران متمایز از دیگر کشورهای منطقه است در کنار برخی مسائل موجود می‌توان از ظرفیت اقوام مرزنشین در ارتقاء امنیت کشور بهره گرفت، به‌طوری‌که تاکنون نیز پیشینه تمدنی، اعتقاد به دین رسمی کشور و... عاملی برای انسجام و استحکام درونی اقوام و دولت مرکزی گردیده است.

یکی از اقداماتی که می‌تواند سطح همگرایی اقوام را با دولت ج.ا.ایران افزایش دهند ارتقاء سطح مشارکت مردم به‌ویژه مشارکت سیاسی این اقوام در روند سیاسی کشور است که انتخابات به‌ویژه انتخاب بالاترین مقام اجرایی کشور یکی از مهم‌ترین اشکال مشارکت سیاسی در ج.ا.ایران محسوب می‌شود. از سویی دیگر پدیده جهانی شدن در سال‌های اخیر با احیای باورهای صرفاً قومی روند واگرایی اقوام از دولت‌های مرکزی را تقویت نموده و می‌تواند تبعات فراوانی برای ج.ا.ایران داشته و پرداختن به قابلیت‌های اقوام در داخل کشور را ضروری نماید و در صورتی که به‌واسطه ویژگی‌های اقوام ایرانی این پدیده با احیای قابلیت‌های اقوام همراه باشد باعث تقویت هویت ملی شده و بهره‌مناسبی از این پدیده عاید کشور خواهد شد. یکی از قابلیت‌های بالای اقوام ایرانی انسجام اجتماعی درونی این اقوام است که در این تحقیق انسجام قومی تعریف شده و بنابر فرض محقق می‌تواند عاملی برای مشارکت آنان در امور کشور به‌ویژه مشارکت سیاسی (انتخابات ریاست‌جمهوری) باشد. تحقیق پیش رو با این فرض به بررسی انسجام قومی در ۱۴ شهر استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی، محروم و قومی کشور در چارچوب نظریه انسجام اجتماعی میلر پرداخته و رابطه آن را با مشارکت سیاسی در قالب نظریه مشارکت سیاسی مکلاوسکی مورد بررسی قرار داده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر را جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله استان که تقریباً رأی اولی‌ها را شامل می‌شود و در تحرکات اجتماعی نقش مؤثری دارند به تعداد ۱۲۸۴۵ نفر است که از بین آنها ۹۲۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و پرسشنامه تحقیق بین آنان توزیع گردید. داده‌های حاصل از سؤالات زمینه‌ای پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده از حجم نمونه نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۴ درصد پاسخ‌دهندگان باسواد بوده و بنا بر جدول فراوانی مربوط به شغل پدر، آنها تقریباً همه طبقات اجتماعی با مشاغل مختلف را شامل می‌شود و اقوام بلوچ و سیستانی به‌عنوان بزرگ‌ترین اقوام و سایر قومیت‌های موجود در استان را نیز به نسبت مشخص در برمی‌گیرد. بنا به باور پاسخ‌دهندگان و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه این نتایج حاصل گردید که سنجش مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان با استفاده از سطوح یازده‌گانه نظریه مکلاوسکی ارتباط متوسطی با مؤلفه‌های انسجام قومی دارد و هرچند رابطه مناسبی بین انسجام قومی جوانان این

استان با مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری برقرار است، ولی این رابطه در حد متوسطی است و دیگر متغیرهای مداخله‌گر نیز با این مشارکت رابطه مؤثری دارند. به دلیل رابطه مثبت دو متغیر با افزایش انسجام قومی در استان می‌توان تا حدودی سطح مشارکت سیاسی را افزایش داد، به عبارتی تقویت احساس تعلق به قوم، تسهیل و تقویت ارتباطات بین فردی در جامعه، افزایش همبستگی خانوادگی و تقویت نظارت آن بر فرزندان تا حدودی می‌تواند سطوح مختلف مشارکت سیاسی (تمایل به مشارکت سیاسی، حمایت از فعالیت‌های سیاسی و انجام فعالیت‌های سیاسی) در انتخابات ریاست جمهوری در ایران را افزایش دهد.



منابع

- ابراهیمی، شهرز؛ نجفی، داود؛ محموداوغلی، رضا؛ صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۲). رابطه شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان. *راهبرد*، ۲۲(۶۶)، ص ۲۶۳-۲۸۴.
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ صادقی نقدعلی، زهرا؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ نوعی باغبان، سیدمرتضی (۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه ای و انسجام اجتماعی (مطالعه موردی جوانان شهر تبریز). *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۱(۴)، ص ۹-۳۱.
- امینی، علی اکبر؛ خسروی، محمدعلی (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان. *مطالعات سیاسی*، ۲(۷)، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹). بررسی زمینه ها و اهداف انقلاب اسلامی بر اساس شعارهای انقلاب. *نامه علوم اجتماعی*، ۷(۱۱-۱۲)، ص ۸۴-۶۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲). *وفاق اجتماعی. نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۱۸۴.
- خداوردی، علی (۱۳۸۴). *مشارکت عمومی و همبستگی ملی*. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی.
- راش، مایکل (۱۳۸۳). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- رهبر، عباسعلی؛ اسلامی، روح اله؛ ذوالفقاریان، فاطمه (۱۳۹۰). امکان های جهان زیستی جمهوری اسلامی ایران برای مشارکت سیاسی. *راهبرد*، ۲۰(۶۰)، ص ۸۱-۱۱۲.
- روحانی، حسن (۱۳۸۴). *همبستگی ملی و مشارکت*. راهبرد، ۳۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: موسسه کیهان.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شعبانی، محمدرضا (۱۳۸۰). *نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران*. پایان نامه دکتری. دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
- صدیقی، بهرنگ؛ ملکمیان، لینا؛ اجاقی ازبری، مهدی (۱۳۹۰). تأثیر بررسی اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی (مورد دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ۸۸-۸۹). *پژوهش اجتماعی*، ۴(۱۱)، ص ۱۷۱-۱۸۸.
- طالب، مهدی (۱۳۷۵). مسائل و موانع جامعه شناختی توسعه روستایی در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۷.
- طیبی نیا، موسی؛ نقدی، اسداله (۱۳۹۱). بررسی مشارکت سیاسی دانش آموزان و عوامل مرتبط با آن. *مطالعات جامعه شناختی جوانان*، ۳(۷)، ص ۵۷-۸۰.

- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵). بسیج ترجمان آرمان‌های دفاعی امام خمینی در پاسداشت امنیت ملی. در: مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران، امیران، فرماندهان و ۸۰۰۰ شهید استان همدان، دانشگاه بوعلی سینا. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). مشارکت سیاسی. تهران: سفیر.
- غلامی، محمد؛ حیاتی، عقیل (۱۳۹۲). بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی؛ محله اوین شهر تهران. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۳)، ص ۱۳۱-۱۵۰.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲). فرهنگ یاریگری در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- کائوتری، هوشین؛ و دیگران (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرائی و داود طبائی. تهران: روش.
- کلاتری، عبدالحسین؛ فرهادی، محمد (۱۳۸۵). رادیو جماعتی و انسجام اجتماعی. انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۶، ص ۱۱۱-۱۳۳.
- گل شیری اصفهانی، زهرا؛ خادمی، حسین؛ صدیقی، رضا؛ تازه، مهدی (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن. روستا و توسعه، ۱۲(۱)، ص ۱۴۷-۱۶۷.
- گللابی، فاطمه؛ حاجیلو، فتانه (۱۳۹۱). تأثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان. زن و جامعه، ۳(۳)، ص ۳۱-۵۵.
- گلپور، مجید؛ خواجه حسنی، محمدامین (۱۳۹۰). افزایش مشارکت سیاسی با استفاده از مدل پشتیبانی تصمیم‌گیری. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۹، ص ۲۰۳-۲۱۲.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۸). راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: انتشارات تیراژه.
- لکزایی، نجف؛ مقیمی، غلامحسین (۱۳۹۰). نسبت مشروعیت و مشارکت سیاسی در اندیشه امام خمینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱(۱۹)، ص ۱-۲۸.
- محرابی، علیرضا (۱۳۸۷). مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- مسعودنیا، حسن؛ محمدی‌فر، نجات؛ مرادی، گلمراد؛ فروغی، عاطفه (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی- روان‌شناختی موثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه اصفهان). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۴۸)، ص ۱۰۳-۱۲۴.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: وزارت امور خارجه.
- نظری، سید غنی؛ بشیری گیوی، حسین؛ جنتی، سعید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱(۱)، ص ۱۳۷-۱۴۶.
- نوابخش، مهرداد؛ فیروزآبادی، آمنه (۱۳۹۱). انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۲(۵۹)، ص ۳۳-۵۸.
- نوابخش، مهرداد؛ نظری، جواد؛ ایدر، نبی‌الله (۱۳۸۸). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان. علوم اجتماعی، ۳(۷)، ص ۱-۲۰.

نیازی، محسن (۱۳۹۰). تبیین رابطه سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان. *مطالعات ملی*، ۱۲(۴)، ص ۳۱-۵۰.

ولی پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳). *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Bergström, L. (۱۹۹۶). **Political participation: A qualitative study of citizens in Hong Kong**. Karlstad University.

Broadwell, W. (۱۹۹۶). **Political participation, Georgia Perimeter College**. Newton Campus. Available at:

<http://www.undp.org/rblac/gender/legislation/>

Liu, A. (۱۹۹۹). **Political participation and dissatisfaction with democracy: A comparative study of new and stable democracies**. Available at:

Mehrotra, A. (۲۰۰۰). **Gender and Legislation in America and Caribbean**. Available at:

www.researchmethods.org/pol/Parti-new-dem.Pdf

www.gpc.edu/~wbroadwe

